

غنیمت آزاد!

■ با وجود ۴ بار استرداد طرح افزایش تعداد مناطق آزاد برای پنجمین بار قرار است این طرح در صحن علنی به رای گذاشته شود

صفحه ۳

پنجشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۹۹ | ۳۹ شعبان ۱۴۴۱ | ۲۳ آوریل ۲۰۲۰ | سال دوازدهم | شماره ۱۳۹۹ | صفحه ۸ | اتومانیان

۱۸۸۱ سال و ۱۶۹ روز گذشت |

VATAN-EM-ROOZ | VOL.12 | NO.2909 | THU.APR.23.2020 | ISSN:2008-2886

■ ویژه‌نامه طنز راه‌راه

را در شماره امروز بخوانید

راه‌راه

صفحه ۵



پرتاب موفقیت‌آمیز ماهواره نظامی نور توسط نیروی هوافضای سپاه یک تحول بزرگ دفاعی است و موجب ارتقای توانمندی‌های اطلاعاتی و عملیاتی ایران می شود

انقلاب نور

■ ماهواره نور توسط ماهواره‌بر قاصد

در مدار ۴۲۵ کیلومتری زمین قرار گرفت



کمی هم به لیبرال‌های داخلی حق دهیم!

| نویبد مؤمن |

■ یادداشت

تاکنون تعاریف زیادی درباره کلیدواژه «دال مرکزی» بویژه در حوزه اندیشه و روش تحقیق ارائه شده است. در یک تعریف کلی، دال مرکزی، مهم‌ترین محوری است که در یک گفتمان، سایر دال‌های شناور حول آن مفصل‌بندی(Articulation) می‌شوند. نیروی جاذبه دال مرکزی، به اندازه‌ای قوی است که دیگر نشانه‌های داخل گفتمان را به خود جذب می‌کند و به آنها معنا و هویت می‌بخشد. در بسیاری موارد، «دال مرکزی» نزد کسانی که طرفدار یک گفتمان را روش خاص هستند، تبدیل به یک «خط قرمز» می‌شود. به عبارت بهتر، اگر آن «دال مرکزی»، چه به لحاظ مفهومی و چه مصداقی به‌چالش کشیده‌شود، عملاً کل منظومه گفتمانی هدف قرار می‌گیرد. هر اندازه این چالش عمیق‌تر و «دال مرکزی» سست‌تر باشد، خطر سقوط و فروپاشی این منظومه بیشتر خواهد بود. طی روزهای اخیر و با اثبات این ناتوانی «غرب وحشی» در مواجهه فکری و عملیاتی با ذات پدیده «شیوع کرونا» و متعلقات آن، گفتمان‌های لیبرالیستی و نولیبرالیستی در معرض فروپاشی قرار گرفته‌اند. دال مرکزی این گفتمان‌ها، یعنی مفهوم «آزادی افسار گسیخته» بیش از هر زمان دیگری به‌جای خود و موثر اختیارات دستگاه اجرایی، اعتماد مهم‌ترین چیزی است که سرنوشته یک جامعه را تعیین می‌کند. در یک دموکراسی کمتر از یک دیکتاتوری، شهروندان باید بایر کنند که دستگاه اجرایی می‌داند چه کاری انجام می‌دهد، اعتماد، مناسقه ناشه دقیقاً همان چیزی است که امروز در آمریکا از دست رفته است.

به عبارت بهتر، فوکویاما عملاً «اعتماد» را جایگزین لیبرالیستی و نولیبرالیستی را هدف قرار داده است. هدف قرار دادن شالوده و بنیان نولیبرالیسم در اظهارات و مواضع پروفیسور «نوام چامسکی» نیز کاملاً آشکار است، جایی که این اندیشمند آمریکایی می‌گوید: «زمانی که ما بر این بحران جهانی غلبه کنیم، ۲۰ گزینه محتمل فردای سرنوشته بشریت را تعیین خواهد کرد: نخست، بعد از بحران، یا بر تعداد نظام‌های فراقتدار گرا، مستبد و بی‌رحم‌تر از گذشته نسبت به جان و مال انسان‌ها افزوده می‌شود یا با همت و مقاومت توده مردم در سراسر جهان، بازسازی بنیادین نظام‌های حاکم در جهت بهتر شدن شرایط زندگی انسان آغاز می‌شود.» اشاره مستقیم چامسکی به دولت ترامپ در این‌باره، جای بسی توجه دارد، جایی که او از رئیس‌جمهور آمریکا و همیمانان آن به‌مثابه «دلک‌های جامعه‌ستیز» نام می‌برد. پروفیسور چامسکی صراحتاً از «بازسازی بنیادین» نظام‌های فکری و سیاسی حاکم بر غرب سخن گفته است. اگر اظهارات فوکویاما و چامسکی

سرمایه‌داری؛ مکتب بی‌رحمی

| حسن رضایی |

■ نگاه

در دنیا هیچ چیز اتفاقی نیست بلکه برعکس، حوادث مختلف به طرز عجیبی با یکدیگر مرتبط هستند. چنین نظمی را شاید بیش از دنیای طبیعی بتوان پیدا می‌کنیم؛ «ضمحلل ساختارهای فکری و سیاسی موجود در غرب».

درست در چنین شرایطی روزنامه سازندگی، متعلق به طیف کارگزاران، توانسته است خشم عمیق خود را کتمان و در سایه «سکوت» و «تامل»، سقوط آزاد لیبرالیسم و نولیبرالیسم را در جهان امروز مشاهده کند. این روزنامه در یادداشتی تحت عنوان «دادگاه بیاده» می‌نویسد: «درست زمانی که دنیا درگیر بحران کروناست، انگار عده‌ای یادشان رفته سوسیالیسم چه بلایی سر چین مانو، کوبای فیدل کاسترو، شوروی لنین و استالین، ونزولای هوگو چاوز و موارد مشابه دیگر آورد و به فکر انتقام‌جویی از لیبرالیست‌ها افتادند.» پیش‌فرض مطرح‌شده در این یادداشت، انتخاب جبری بشریت میان «سوسیالیسم» و «لیبرالیسم» آن هم در ابتدای قرن بیست‌ویکم است! این همان سبک و سیاق همیشگی طرفداران نظام سرمایه‌داری است که امروز از ناکارآمدی ساختار سیاسی- اقتصادی شوروی» را می‌دانند بدون شک جهان در آینده نزدیک و بویژه در دوران پساکرونا، میان دوگانه «لیبرالیسم» و «سوسیالیسم» دست به انتخاب نخواهد زد! کسانی که امروز از ناکارآمدی ساختار سیاسی- اقتصادی غرب و عدم افق فکری شهروندان آمریکایی و اروپایی در قبال استدلال‌های فکری حاکمان‌شان در دفاع از لیبرالیسم سخن می‌گویند، بلافاصله سخن از یک «نظام ساختاری جدید» به میان می‌آورند که در آن، «سرمایه» بر «انسانیت» غالب نباشد! نظام و ساختاری که در آن، «ثروت» قواعد بازی انسان‌ها و چگونگی رفتار آنها را تعیین نکند، در دوران‌هایی مانند «شیوع کرونا»، شهروندان به «قربنیان فقیر» و «بهبودیافتگان ثروتمند» تقسیم‌نشوند!

با همه این اوصاف، باید کمی به‌مدافعان داخلی لیبرالیسم هم حق داد! آنها سال‌ها و بلکه دهه‌ها، با همین پیش‌فرض‌های «سلطه‌جویانه» «خودحقیق‌پنداری» زندگی و خو کرده‌اند. برای آنها کاملاً قابل هضم است که در ترکیب آزاددهنده «کاپیتالیسم» و «لیبرالیسم»، عده‌ای از مردم باید «قربانی» شوند تا عده‌ای دیگر به‌رحمتی زندگی کنند! آنچه امروز صدمه دیده است، دال مرکزی گفتمان لیبرالیسم و نولیبرالیسم از یک سو و شالوده نظام سرمایه‌داری از سوی دیگر است. باید به طرفداران این گفتمان‌ها در داخل کشور کمی فرصت داد تا از «بهت» و «سوگ» ناشی از این «تحول بنیادین» و «حقیقت اجتناب‌ناپذیر» بیرون بیایند!

در دنیا هیچ چیز اتفاقی نیست بلکه برعکس، حوادث مختلف به طرز عجیبی با یکدیگر مرتبط هستند. چنین نظمی را شاید بیش از دنیای طبیعی بتوان پیدا می‌کنیم؛ «ضمحلل ساختارهای فکری و سیاسی موجود در غرب».

درست در چنین شرایطی روزنامه سازندگی، متعلق به طیف کارگزاران، توانسته است خشم عمیق خود را کتمان و در سایه «سکوت» و «تامل»، سقوط آزاد لیبرالیسم و نولیبرالیسم را در جهان امروز مشاهده کند. این روزنامه در یادداشتی تحت عنوان «دادگاه بیاده» می‌نویسد: «درست زمانی که دنیا درگیر بحران کروناست، انگار عده‌ای یادشان رفته سوسیالیسم چه بلایی سر چین مانو، کوبای فیدل کاسترو، شوروی لنین و استالین، ونزولای هوگو چاوز و موارد مشابه دیگر آورد و به فکر انتقام‌جویی از لیبرالیست‌ها افتادند.» پیش‌فرض مطرح‌شده در این یادداشت، انتخاب جبری بشریت میان «سوسیالیسم» و «لیبرالیسم» آن هم در ابتدای قرن بیست‌ویکم است! این همان سبک و سیاق همیشگی طرفداران نظام سرمایه‌داری است که امروز از ناکارآمدی ساختار سیاسی- اقتصادی شوروی» را می‌دانند بدون شک جهان در آینده نزدیک و بویژه در دوران پساکرونا، میان دوگانه «لیبرالیسم» و «سوسیالیسم» دست به انتخاب نخواهد زد! کسانی که امروز از ناکارآمدی ساختار سیاسی- اقتصادی غرب و عدم افق فکری شهروندان آمریکایی و اروپایی در قبال استدلال‌های فکری حاکمان‌شان در دفاع از لیبرالیسم سخن می‌گویند، بلافاصله سخن از یک «نظام ساختاری جدید» به میان می‌آورند که در آن، «سرمایه» بر «انسانیت» غالب نباشد! نظام و ساختاری که در آن، «ثروت» قواعد بازی انسان‌ها و چگونگی رفتار آنها را تعیین نکند، در دوران‌هایی مانند «شیوع کرونا»، شهروندان به «قربنیان فقیر» و «بهبودیافتگان ثروتمند» تقسیم‌نشوند!

با همه این اوصاف، باید کمی به‌مدافعان داخلی لیبرالیسم هم حق داد! آنها سال‌ها و بلکه دهه‌ها، با همین پیش‌فرض‌های «سلطه‌جویانه» «خودحقیق‌پنداری» زندگی و خو کرده‌اند. برای آنها کاملاً قابل هضم است که در ترکیب آزاددهنده «کاپیتالیسم» و «لیبرالیسم»، عده‌ای از مردم باید «قربانی» شوند تا عده‌ای دیگر به‌رحمتی زندگی کنند! آنچه امروز صدمه دیده است، دال مرکزی گفتمان لیبرالیسم و نولیبرالیسم از یک سو و شالوده نظام سرمایه‌داری از سوی دیگر است. باید به طرفداران این گفتمان‌ها در داخل کشور کمی فرصت داد تا از «بهت» و «سوگ» ناشی از این «تحول بنیادین» و «حقیقت اجتناب‌ناپذیر» بیرون بیایند!

www.vatanemrooz.ir

سرمایه‌داری؛ مکتب بی‌رحمی

| حسن رضایی |

مستضعفان را به عنوان ریزه‌خواران خون پرنعمت آنها همواره بدهکار کارفرما کرد. صدایی که حتی به واژه مستضعفان هم رحم نکرد و ادبیات جدیدی تولید کرد تا از اقشار «آسیب‌پذیر» برای‌مان بگوید؛ اقصاری که تا دیروز مهم‌ترین بار انقلاب بر دوش آنها بود ولی کم‌کم به عنوان معضل اجتماعی و حاشیه‌نشین‌ها، موضوع پروژه‌های تحقیقاتی شدند. مبنای تمام این اتفاقات تلخ که باعث شده حالا رهبر حکیم انقلاب هم در بحث عدالت از مردم عنز‌خواهی کنند، همین منطق جوجه‌کشی روزهای اخیر است. منطق بی‌رحمی که کشتن آن حجم از حیوان زبان‌بسته را به دلیل سود اقتصادی توجیه می‌کند و تمام سخنان امام صادق(ع) تا فقها و مردم عادی را یکجا زیر پایش لگدمال می‌کند، چرا باید در موضوع تعیین پایه حقوق کارگر کوتاه بیاید و از جیب خود است تنها سود، محور تصمیمات باشد، چه فرقی بین کشتن جوجه و انسان خواهد بود؟ برخی البته چون خودشان کارفرما هستند و طعم این قبیل سودها را چشیده‌اند، خواهند گفت در این نوشته، احساسات بر منطق غلبه کرده است! حرفی نیست، در مسأله ثبت‌نام سرپرستان خانوار برای دریافت وام کرونایی هم اساً دقیقاً با چنین منطقی مواجهیم. مشاور رسانه‌ای با اقتصادی یک اپراتور با اطلاع دقیق از آمار دارندگان سیمکارت و با وجود اینکه می‌داند ثبت سیمکارت جدید مستلزم مراجعه حضوری به نمایندگان و احراز هویت فرادست، فرصت را برای ارائه سیمکارت رایگان به بازار وسیعی از مشتریان آینده و کسب سود از این بازار بکر غنیمت شمرده است. به فاصله کوتاهی و با وجود روشن شدن سبیل انتقادات به تجمع‌های سیمکارتی، اپراتورهای دیگر هم که احساس می‌کنند از قافله عقب مانده‌اند، سریعاً در حجمی انبوه تبلیغات‌های سیمکارت رایگان را آغاز می‌کنند. تجمع‌هایی که ممکن است سرآغاز موج دیگری از بیماری کرونا در اقصار فرودست جامعه باشد اما بی‌توجه به تبعات ملی آن از سوی اپراتورها حمایت و تبلیغ می‌شود. وزیر مسؤول در این مسأله هم حکماً با اطلاع از ضرورت مراجعه حضوری مردم برای احراز هویت و ثبت‌نام سیمکارت، تنها به این بسنده می‌کند که بگوید: «از مردم آنلاین ثبت‌نام شود و سیمکارت با پست به منازل آنها ارسال شود!» کسانی که امروز به قتل‌عام جوجه‌ها- که ظاهر هنوز هم ادامه دارد- واکنشی نشان نمی‌دهند، باید نگران باشند توسط لیبرالیسم رسوخ کرده در جای‌جای فرهنگ، اقتصاد و اجتماع ما مسخ شده باشند. یادمان نرود امامی که تازه تولدشان را جشن گرفتیم، می‌آیند تا با چنین تفکرات و اقدامات شنیعی مبارزه کند!

■ دیدگاه

باید از همه کسانی که در ایام مقابله با کرونا زحمت کشیدند اعم از پزشکان و پرستاران و تمام کادر درمان و همچنین وزیر بهداشت و دانشگاه‌های علوم پزشکی، نیروهای مسلح وهمه مدیرانی که با دقت تلاش کردند تقدیر کرد. در زمینه کار درمان اقدامات مثبت بسیاری در حوزه پیشگیری و بهداشتی انجام شد اما از لحاظ مدیریتی و امور اجرایی، موارد انتقادی وجود دارد.

۱) برخی تصمیمات در این راستا دیر هنگام بود. تصمیمی که می‌توانست بموقع اتخاذ شده و آثار سوء و زیان‌ها کمتر باشد، گرفته نشد. از فرصت ۱۵ روزه تعطیلات عید نوروز می‌شد بیشتر از آنچه اتفاق افتاد استفاده کرد اما شاهد بودیم بعد از گذشت چند روز از تعطیلات، محدودیت‌ها اعمال شد و تازه مسؤولان خواستند با جدیت محدودیت‌ها برقرار شود.

از ابتدای شیوع کرونا در کشور آقای رئیس‌جمهور مسؤولیت امور را برعهده نگرفت، یعنی تردید داشت و از حرکاتش اینگونه استنباط می‌شد که می‌خواهد اگر موفقیتی حاصل شد به نام خودش تمام شود اما از طرف دیگر این نگرانی در رفتار رئیس‌جمهور نمایان بود که نمی‌خواهد مسؤولیت کار را برعهده بگیرد تا پاسخگوی شکست‌ها و نقایض باشد، لذا از ابتدای امر به صحنه نیامد.

۲) در بحران کرونا فاصله عملکرد دولت از حرف تا عمل بسیار بود. درباره خیلی از تصمیماتی که توسط آقای رئیس‌جمهور یا سایر مسؤولان مربوط در زمینه مقابله با کرونا از طریق صداوسیما اعلام می‌شد، در صحنه و در عمل چیز دیگری را شاهد بودیم.

به طور مثال ۲۱ اسفند سخنگوی وزارت بهداشت اعلام کرد تمام بیماران کرونایی رایگان درمان می‌شوند اما شاهد بودیم افرادی هزینه‌های سنگینی را متحمل شدند. از جوانی که هیچ نوع بیمه‌ای نداشت و در بیمارستان امین اصفهان بستری شد، بابت خدمات درمانی در ۶ روز ۹ میلیون تومان دریافت شد یا بیمار دیگری در یکی دیگر از بیمارستان‌های اصفهان ۵ میلیون تومان پرداخت کرد. به‌رغم اینکه رئیس‌جمهور اعلام کرد تنها ۱۰ درصد هزینه‌ای بیماران دریافت می‌شود اما در عمل این هم اجرایی نشد.

در برخی بیمارستان‌ها مشاهده می‌شد دیدگاه‌های متفاوت برای درمان وجود داشت و براساس یک پروتکل تعیین شده در همه جا به طور یکسان عمل نمی‌شد. در برخی بیمارستان‌ها به بیماران گفته می‌شد اگر می‌خواهید زودتر بهبود پیدا کنید بروید نسخه را از بیرون تهیه کنید. نمونه‌های آن را در بیمارستان‌های تأمین اجتماعی شاهد بودیم که با بیماران اینگونه رفتار می‌شد که این امر خود برای بیمار مشکلاتی را به دنبال داشت.

چند نکته درباره مدیریت بحران کرونا

| حسینعلی حاجی‌دلیگانی * |

در بعد مسائل معیشتی مردم و نوع نگرانی‌هایی که در این زمینه وجود داشت شاهد بودیم مردم و مسؤولاتی که در رابطه با کرونا تصمیم می‌گیرند واقف به ابعاد تصمیم خود نیستند.

یک میلیون وام را ابتدا با سود ۱۲ درصد اعلام کردند؛ وقتی مخالفت صورت گرفت و مراجع تقلید اعلام کردند این سود حرام است عقب‌نشینی کردند و گفتند این وام قرض‌الحسنه است.

بعد شرط گذاشتند حتما سرپرست خانوار باید گوشی تلفن همراه داشته باشد که این خود، مشکلات عدیده‌ای را به‌وجود آورد و باعث تجمع مردم شد، ضمن اینکه باعث توسعه فرهنگ مصرف‌گرایی و بار کردن هزینه‌های اضافی بر خانواده‌هایی شد که برای هزینه تلفن مشکل خواهند داشت.

به نظر می‌رسد وزارت ارتباطات کاملاً به دنبال سود بی‌سروصدا برای خود و درآمدزایی برای اپراتورهای تلفن همراه است. در دوران کرونا اینها بیشترین نفع را بردند و حتی هزینه‌ها تا ۲ برابر بیشتر از مردم دریافت شد. در امر آموزش هم از سوی وزارت آموزش‌وپرورش هیچ برنامه مشخصی نه اعلام، نه تشریح و نه تبیین شده است. خانواده‌ها همه سرگردان شده‌اند.

بعد از ۲ ماه هم وقتی برنامه‌ها را اعلام می‌کنند، ناقص است. من پیام‌های مردم در این زمینه را برای وزیر ارسال کردم، پاسخ داد کسانی که می‌توانند، از آموزش‌های مجازی استفاده کنند. آقای وزیر قطعاً آموزش‌وپرورش پاسخ دهند کسانی که در مناطق دوردست هستند و اینترنت در دسترس‌شان نیست، چه کنند؟

به نظر می‌رسد بناست کسانی که دسترسی بیشتری دارند در درس خواندن وضع بهتری داشته باشند و آنهایی که فقیرتر هستند یا اینترنت و گوشی مناسب ندارند نباید از آموزش بهره‌مند شوند.

متأسفانه گوشی تلفن همراه داشتن برای دانش‌آموزان در حال تبدیل شدن به یک فرهنگ است، جای تأسف دارد که وزیر ارتباطات با دور زدن نمایندگان از مجلس رأی اعتماد گرفت اما عملاً هیچ قدمی برای ایجاد شبکه ملی اطلاعات انجام نداد. در شرایطی که شبکه ملی اطلاعات نداریم، بردن تمام دانش‌آموزان به فضای که هیچ در و پیکری ندارد

و فردا روز فضای مجازی برای دانش‌آموز عادی می‌شود، اشتباه محض است. به جایی می‌رسیم که پدر و مادر هم نمی‌توانند فرزندان خود را از شبکه‌های اجتماعی جدا کنند. اگر شبکه ملی اطلاعات برای مقاطع مختلف طراحی شده بود، این طرح درست بود اما وقتی چنین امکانی وجود ندارد، آثار مخرب فرهنگی بسیاری در انتظار نسل در حال پرورش ما خواهد بود.

■ نماینده‌شاهین شهر در مجلس